

مرکز اولوف پالمه و اپوزیسیون سازی!

ی‌بهرام رحمان

بنا به گزارش رادیو پژواک، رادیو سراسری فارسی زبان دولت سوئد، قرار است در روزهای شنبه و یکشنبه ۴ و ۵ فوریه ۲۰۱۲، کنفرانسی در استکهلم، در رابطه با تحولات ایران برگزار شود. برگزارکننده این کنفرانس، مرکز اولوف پالمه است. نام کنفرانس نیز «اتحاد برای دموکراسی در ایران» عنوان شده است.

براساس اطلاعاتی که مرکز اولوف پالمه، در این کنفرانس نمایندگانی از احزاب سیاسی، دانشگاهیان، ژورنالیست‌ها، نویسندگان، فعالان حقوق بشر، فعالان زنان و فعالان دیگر از جوامع ایرانی در خارج کشور شرکت خواهند داشت. محل برگزاری و نام دعوت‌شدگان به کنفرانس محرمانه اعلام شده است.

به این ترتیب، همین که محل برگزاری کنفرانس و دعوت‌شدگان محرمانه است خود به خود نشان‌دهنده اپوزیسیون سازی کاذب و شخصت سازی اولوف پالمه سنتر در راستای اهداف احزاب راست و دولت‌های غربی، بر علیه منافع و مصالح اکثریت مردم ایران است. Jens Orback، مدیر مرکز اولوف پالمه به رادیوی بین‌المللی سوئد می‌گوید که هم چون کنفرانس‌های دیگری که این مرکز از جمله در رابطه با برمه و سوریه برگزار کرده، کنفرانسی به پیشنهاد منتقدان رژیم ایران برای بحث و گفتگو درباره مسائل این کشور برگزار می‌کند. او می‌گوید که شایعاتی نیز از سوی رژیم ایران که نسبت به این کنفرانس بدگمان است منتشر شده، شبیه به موردی که در رابطه با سوریه پیش آمد، اما مرکز اولوف پالمه به کار خود براساس اهداف تعیین شده برای مرکز که کمک به رشد دموکراسی در کشورهای مختلف است ادامه می‌دهد.

یکی از دعوت‌شدگان به این کنفرانس، «دکتر امیر حسین گنج‌بخش» نام دارد که در سایت‌های اینترنتی از او به عنوان یکی از بنیان‌گذاران «سازمان جمهوری خواهان» نام برده شده است به «خودنویس» می‌گوید به خاطر نامعلوم بودن اهداف و برنامه‌های جلسه در بنیاد «اولوف پالمه» به استکهلم نمی‌رود. او درباره تردیدهایش درباره گردهمایی استکهلم می‌گوید: «شفاف نبودنش به این شکل است که هیچ‌کسی نمی‌داند چه خبر است... یکی می‌گوید «آلترناتیو سازی» است، یکی می‌گوید می‌خواهند «دولت موقت» درست کنند، یکی می‌گوید «یک سمینار ساده» است. یکی می‌گوید «دیالوگ ملی» است، خب این غلط است!»

با نزدیک شدن به زمان برگزاری «کارگاه آموزشی» در شهر استکهلم که مرکز «اولوف پالمه» برگزار کننده آن است، تعداد از دعوت‌اعلام کرده‌اند که در این کنفرانس، شرکت نمی‌کنند. حالا این افراد چرا نخست چنین دعوت‌هایی را می‌پذیرند و سپس چرا پشیمان می‌شوند خود داستان دیگری است؟! چرا که اصولاً شر و شروط برگزاری چنین جلساتی از قبل با دعوت‌شونده در میان گذاشته می‌شود.

اسامی برخی از شرکت‌کنندگان کنفرانس مرکز اولوف پالمه که در رسانه‌ها به اسامی آن‌ها اشاره شده است عبارتند از:

شهریار آهی، جواد اکبرین، کاظم اکبرین، کاظم علمداری، رضا علیجانی، نوشابه امیری، علی افشاری، جمشید اسدی، اکبر عطری، مریم معمارصادقی، مهران براتی، احمد باطبی، مسعود بهنود، پرویز دستمالچی، شاهین فاطمی، شهلا فرید، امیرحسین گنجبخش، سعید قاسمی‌نژاد، فریدون احمدی، رامین احمدی، فاطمه حقیقت‌جو، عباس حکیمزاده، فواد پاشایی، احمد رفعت، نیما راشدین، ضیا صدرالعشراقی، مصطفی حجری، بیژن حکمت، پویا جهاندار، مهرانگیز کار، بهزاد کریمی، مرتضی کاظمیان، جواد خادم، محسین خاتمی، فریدون خاوند،

منوچهر مقصود نیا، محسن مخملباف، حسن منصور، سراج میردامادی، عبدالله مهتدی، مرجانه ستراپی، شهلا عبقری، نسیم سرابندی، علیرضا نوری‌زاده، ماشاله سلیمی، خالد عزیز، آرش بهمنی، محسن سازگارا، حسن شریعتمداری، محمدعلی توفیقی، نیره توحیدی، مجتبی واحدی، مهرداد درویش پور، رامین پرهام، گیتی کاوه، پروین اردلان، فریبا موحبی، گلاله شرافکندی، مهشید پگاهی، ناهید حسینی، شهران طبری، شهلا شفیق، آرام حسامی، رضا حسین بر، هوشنگ اسدی و...

کسانی که حتی آشنایی مختصری با سیاست های افراد و گروه های دعوت شده به این کنفرانس را دارند به سادگی می دانند که آن ها، همگی از طیف های مختلف گرایشات ناسیونالیستی، شوونیستی، مذهبی و راستی هستند و خوشبختانه هیچ گرایش چپ و مدافع جنبش کارگری در بین آن ها دیده نمی شود و قرار هم نیست دیده شود. چرا که گرایشات سیاسی و اجتماعی چپ و مدافعین جنبش کارگری کمونیستی، مخالف هر نوع اپوزیسیون و بدیل سازی در غیاب توده ها مردم و محاصره اقتصادی ایران و حمله نظامی به این کشور هستند. هنگامی که بخشی از شرکت کنندگان این کنفرانس نظیر سازگارا، در راس سپاه پاسداران بودند و در کردستان و ترکمن صحرا و جاهای دیگر ایران، به خصوص در ماه ها و سال های نخست انقلاب لحظه به لحظه آدم می کشتند؛ هنگامی که برخی چون حقیقت جو نماینده مجلس بودند و قوانین ارتجاعی و غیرانسانی و وحشیانه را علیه زنان، کارگران، دانش جویان، روزنامه نگاران، نویسندگان، هنرمندان و غیره تصویب می کردند؛ هنگامی که مخملباف ها پیشتاز اسلامی کردن سینمای ایران در راستای سیاست های وایدئولوژی ارتجاعی حکومت اسلامی بودند؛ هنگامی که روزنامه نگاری چون بهنود ستایشگر سیاست های رفسنجانی بود؛ هنگامی که افشارها، راشدین ها، واحدی ها و... پیرو خط امام خمینی بودند؛ هنگامی که اسدی ها و کریمی ها در حزب توده و چریک های اکثریت از حکومت اسلامی دفاع می کردند؛ هنگامی که بخش زیادی از شرکت کنندگان این کنفرانس در این سال ها، تمام امید خود را به اقدامات و اصلاحات جناحی از حکومت اسلامی (دوم خرداد و یا اکنون سبز اسلامی) دوخته بودند؛ هنگامی که برخی از شرکت کنندگان چون شه‌ریار آهی ها در بند و بست با دولت های قدرت مند به دنبال احیای سلطنت بودند و هنوز هستند و...، در حالی که تاریخ گواه است نیروهای چپ و مدافعین جنبش کارگری کمونیستی با تمام قدرت برای سرنگونی حکومت جهل و جنایت اسلامی مبارزه می کردند و آگاهانه ده ها هزار قربانی هم در راه آزادی داده اند و هم اکنون نیز لحظه ای از مبارزه در راستای سرنگونی کلیت حکومت اسلامی، غفلت نمی کنند، طبیعی ست که دعوت شرکت در چنین کنفرانس هایی را نمی پذیرند و شرکت هم نمی کنند. چنین جهت گیری نیروهای چپ و کمونیست، هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی و هم به لحاظ انسانی، نقطه قدرت این نیروهاست. بنابراین، جای تعجبی نیست که افراد و جریانات راست و لیبرال پاسیو و بعضا ناشناخته با سوابق مختلف سیاسی چون پاسدار، بازجو، شکنجه گر، مامور امنیتی، نماینده مجلس، توده ای، اکثریتی، جمهوری خواه، مذهبی، سلطنت طلب، ناسیونالیست کرد، آذری، بلوچ و غیره در سالن های در بسته زیر پای سخنان نمایندگان دست چندم دولت ها بنشینند و درباره سرنوشت و آینده جامعه ۷۵ میلیونی ایران، تصمیم بگیرند. چنین تصمیماتی مضحک و خنده دار و دست کم گرفتن شعور جامعه است. اما یک مساله روشن است و آن این که الگوی این افراد و جریانات راست و فرصت طلب، تحولات عراق و افغانستان و لیبی است. یعنی آن ها، به خاطر پول و قدرت و تبدیل شدن به مالکی ها و کرزای های ایرانی با همدیگر در حال مسابقه هستند. در حالی که این ها، عمدتاً در مقابل جنایت های بی شمار حکومت اسلامی، سیاسی سکوت را پیشه کرده اند و مثلاً در ماه های اخیر بسیاری از رسانه ها، حتی رسانه های فارسی زبان بین المللی از تهدید و دستگیری و شکنجه بسیاری از فعالین کارگری چون رضا شهبابی خبر داده اند و یا اعدام ها روزمره در ایران در جریان است حتی یک موضع گیری خشک و خالی از بسیاری از کسانی که اسامی شان برای شرکت در کنفرانس مرکز اولوف پالمره برده شده، نشنیده است. به علاوه انگار برخی از دعوت شدگان، صرفاً بازارگرم کن حضور در چنین جلسات مخفی و معامله گر هستند و خاصیت دیگری ندارند.

پرواضح است که هر انسانی و جریانی که مخالف جنگ و خشونت، سرکوب و کشتار، نابرابری و استثمار، سانسور و اختناق است نه با جناح های حکومت اسلامی، نه با دولت های قدرت مند غربی رقیب حکومت اسلامی، وارد هیچ گونه بند و بست و معامله سیاسی نمی شود؛ با آن ها، در هیچ نشست و جلسه مشترکی شرکت نمی کند؛ در عین حال با قدرت و اتحاد و همبستگی مردمی بر سرنگونی حکومت اسلامی و این که مردم ایران باید مستقیماً سرنوشت خود و آینده کشورشان را خودشان را رقم بزنند، پافشاری می کند.

هم اکنون سرنوشت دردناک مردم عراق و افغانستان و اکنون نیز لیبی در مقابل چشمان همه ماست. همین نیروهای رنگارنگ راست این کشورها، با متحدان بین المللی خود و در راس همه ناتو و آمریکا و اتحادیه اروپا و متحدان روسی و چینی شان، مردم این کشورها را با چنان فلاکتی روبرو کرده اند که رهایی از آن، دست کم در دهه های آتی، حتی به دور از هرگونه تصور است. نیروهای راست با همکاری دولت های قدرت مند، این سه کشور را به جولانگاه تروریسم دولتی و تروریسم گروه های فاشیستی، مذهبی و ناسیونالیستی تبدیل کرده اند که هیچ شهروندی احساس امنیت جانی و مالی و شغلی نمی کند. تروریسم و جنگ و انتقام جویی نفس مردم این کشورها را بریده است. اما عشق رسیدن به قدرت و ثروت، آن چنان چشم کرزای ها و مالکی های «وطنی» ما را کور کرده است که این واقعیت های عراق و افغانستان و لیبی را می ببیند اما درس عبرتی نمی گیرند! فراتر از همه، بی شرمانه بمباران های وحشیانه ناتو و جنگ و کشتار و تروریسم دولتی و غیردولتی در این کشورها را مداخله «انسان دوستانه» می نامند! معلوم نیست از کی و از چه تاریخی هواپیماهای بمب افکن و جنگی، هلیکوپترهای توپدار، تانک ها، موشک اندازها، سفیر گلوله ها، پیام آور «انسان دوستی» شده اند؟! شاید در کنفرانس استکهلم، علی افشاری و هم فکرانش به این مساله جواب بدهند؟

اما مسلم است که جنبش های اجتماعی ایران نظیر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویان و جوانان، روشنفکران و هنرمندان مترقی و همه نیروهای چپ و کمونیست و مدافع آزادی، برابری و عدالت اجتماعی آن قدر قوی هستند که بتوانند این نوع بازی های سیاسی و ترفندها و معاملات گرایشات راست اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون و فرصت طلب را با دولت های غربی و غیره را خنثی کنند و محکم و قاطع با قدرت و همبستگی مردمی خود، حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی را سرنگون کنند و جامعه دل خواه خودشان را بسازند!

پنج شنبه سیزدهم بهمن ۱۳۹۰ - دوم فوریه ۲۰۱۲

bahram.rehmani@gmail.com